

مطالعه هویت شهر سرآغازی بر مرمت بافت تاریخی، باززنده سازی آثار و طراحی معماری "مثال موردی اردبیل شهر مقدس"

دکتر مجتبی رضازاده ، مهندس رومینا رضازاده

rezazdh @ ut.ac.ir ، دانشگاه تهران ، پردیس هنرهای زیبا

چکیده :

هنر طراحی در بافت قدیم هنر ساختن و شکل دادن به مناظر شهری، نیاز مواد اولیه آن است عناصری هستند که مناظر شهری را به وجود می آورند. اینها عناصری هستند که ما از طریق حواس بینایی، شنوایی، لامسه و بویایی درک می کنیم. بر این اساس، توصیف مواد اولیه طراحی شهری، به منزله تشخیص و توصیف عناصر احساسی در محیط های شهری است، در حقیقت، توصیف دریافت ما از جهان، بجای توصیف آنکه جهان در واقع چگونه است. شهر اردبیل از شهرهای کهن ایران است که قدمت آن به بیش از سی قرن می رسد هرچند از تاریخ دقیق پیدایش آن اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی اولین نسبت شهر به دوران کیانیان نشان از قدمت اساطیری این شهر دارد و حاکی از آن است که این شهر در این دوران نیز مرکز مهم نظامی و سیاسی بوده است. این شهر فراز و نشیب های زیادی در دوران تاریخی خود گذرانده است که خاطرات آن عبرت برای آینده شهر و شهروندان است، مطالعه این شهر در پایان نامه های دکترها و دوره تخصصی ام در ایتالیا، فرصت استفاده از اسناد و مدارک موجود از کتابخانه ها و دانشگاه های مختلف را عملی می ساخت و ادامه اش در ایران در نیمه دوم دهه هفتاد با تصمیم وزارت مسکن و شهر سازی با عنوان طرحهای بهسازی بافتهای شهری، که مطالعه مراکز تاریخی بعضی از شهرهای ایران را در برنامه و اولویت کار خود قرار داده بود. فرصت را غنیمت شمرده مطالعه پلان شناسی و هویت تاریخی شهر انجام شد و حدود بیست هکتار از بافت در سال 67 و با تاخیر 11 ساله، 92 هکتار بقیه بافت قدیم، در سال 78 به تصویب کمیسیون ماده 5 استان رسید و پس از آن طرح های معماری مورد نیاز: شب تا شناخت هفت تا ثاب گذار شب، ده، حاء، حاء، مهرد لاه،

با نگاهی ژرف، فقدان مناسبات ارزشمند انسان و فضا در حیات امروزی بخشهای توسعه یافته و بافتهای جدید و حتی بافتهای کهن شهری که دیرزمانی تجلیگاه بهترین انواع اینگونه تعاملات بودند، به روشنی مشهود است.

روابط نابسامان اجتماعی در شهرهای امروز و عدم آرامش در کلیه جهات زندگی، به نوعی گویای ناهماهنگی در نظام شهری و چیدمان عناصر آن می باشد. این عدم تعادل نیز خود می تواند ناشی از نادیده گرفتن جایگاه، شاکله و عدم جانمایی صحیح اکثر فضاهای کلیدی مؤثر در برگزاری مناسبات تعاملات اجتماعی همچون میادین در مفهوم خاص خود، بازار، مساجد و ... به ویژه از بین رفتن نظام ساختاری محلات به عنوان رکن اصلی شهر، چه در تداوم امر طراحی شهری و چه مداخله در بافت کهن باشد.

دلایل این امر عدم شناخت و تعمق کافی در داشته ها و میراث کهن شهرهایمان می باشد؛ مفاهیم و خصوصیات ارزشمند از آنها همچون نظامی ارگانیک در کالبد شهر، تأثیر باورهای متافیزیکی در ساختار فیزیکی، حضور مسجد به عنوان مرکزیت معنوی، احترام به حریمیت ها، توجه به سلسله مراتب فضایی و دسترسی ها، تلاش در انطباق با شرایط اقلیمی، توجه به تناسبات فضایی با در نظر گرفتن کیفیت ادراکی شان، اهمیت زندگی اجتماعی و نمود فضایی آن تحت نظام محلات که با شخصیتی بارز، گروه های مختلف در شرایط اجتماعی و منافع مشترک را گرد هم جمع می کرد